

داستان های

شاهنامه

به نشر روان فارسی

www.ketab.ir

علیر ادرضایی پور

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

دفتر نشر و کتابخانه

دفتر نشر و کتابخانه

دفتر نشر و کتابخانه

۱۶-۲-۸۲۵۱-۱۶۴-۱۷۸ ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۵۹-۹۶-۴

کتاب حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است



کتابخانه ملی



کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

کتابخانه ملی ایران

سرشناسه : رضایی پور ، علیمراد ، ۱۳۳۶- ، اقتباس کننده .
عنوان و نام پدید آور : داستانهای از شاهنامه به نثر روان فارسی / برگردان از شعری رضایی پور .
مشخصات نشر : تهران : فراوری : مهر داد ، ۱۳۸۹ .
مشخصات ظاهری : ۲۷۲ ص .
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۲۵۹-۹۶-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیا .
یادداشت : واژه نامه
موضوع : فردوسی ، ابوالقاسم ، ۳۲۹-۳۱۶ ق . ، شاهنامه -- اقتباس ها
موضوع : داستان های فارسی -- قرن ۱۴ .
رده بندی کنگره : ۱۳۸۹ د ۲ ۳۱۶ ض / PIR ۸۰۷۵
رده بندی دیویی : ۸۵۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۰۵۸۸۵

فهرست

۵	 سخنی با جوانان
۵	 مقدمه
۹	 فصل ۱ / کاوه آهنگر و ضحاک
۲۰	 خواب دیدن ضحاک فریدون را
۲۹	 نبرد فریدون با ضحاک
۳۴	 پانصد سال پادشاهی فریدون
۴۰	 نبرد سلم و تور با ایرج و کشته شدن ایرج به دست برادرانش
۴۵	 زادن ماه آفرید منوچهر را
۴۷	 انتقام گرفتن منوچهر از سلم و تور
۵۷	 فصل ۲ / داستان رستم
۵۷	 حکایت سیمرغ و زال
۶۰	 زال از سیمرغ جدا می شود
۶۲	 سیمرغ پرش را به زال هدیه می دهد
۶۶	 برگشت زال به زابلستان
۶۷	 زال و رودابه
۷۱	 رای زنی زال با موبدان و نوشتن نامه به سام درباره رودابه
۷۷	 رفتن سام به جنگ مهرباب
۷۸	 خبر حرکت کردن سام با سپاهی انبوه به سوی کابل
۸۰	 خشمگین شدن مهرباب از رودابه
۸۴	 پیوند زال و رودابه
۸۸	 تولد رستم
۹۲	 رستم پیل سپید زال را کشت
۹۲	 گشودن دژ کوه سپند به دست رستم
۹۹	 فصل ۳ / داستان رستم و سهراب
۹۹	 رفتن رستم به سوی سمندگان
۱۰۲	 داستان رستم و تهمینه
۱۰۵	 داستان زادن تهمینه سهراب را
۱۰۶	 انتخاب اسب سهراب
۱۰۹	 رفتن سهراب به دژ سپید
۱۱۰	 نبرد گردآفرید با سهراب یل
۱۱۵	 کمک خواستن کاووس از رستم
۱۱۷	 خشم گرفتن کیکاوس بر رستم

۱۲۲	کشتن «ژنده رزم» به دست رستم
۱۲۴	پرسیدن سهراب، نام سپهسالاران ایران را از هجیر
۱۲۸	پیکار سهراب و رستم
۱۳۷	سهراب به دست پدر کشته می شود
۱۴۳	مرگ سهراب همه را سوگوار کرد

فصل ۴ / داستان سیاوش

۱۴۵	زادن سیاوش
۱۴۷	ترفند سودابه
۱۵۹	از آتش گذشتن سیاوش
۱۶۲	جنگ سیاوش با افراسیاب
۱۷۰	پیمان افراسیاب با سیاوش
۱۷۵	سرباز زدن سیاوش از فرمان پدر
۱۸۱	سیاوش در اردوی افراسیاب
۱۸۲	ازدواج سیاوش با فریگیس
۱۸۷	ساختن شهری بنام سیاوش گردش
۱۹۱	ترفند گرسوز
۲۰۲	نبرد افراسیاب با سیاوش
۲۱۱	تولد کیخسرو

فصل ۵ / داستان رستم و اسفندیار

۲۱۶	شروع جنگ توران و ایران
۲۲۱	خشم پدر بر پسر و دربند کردن او
۲۲۲	آزاد شدن اسفندیار در جنگ ایران و توران
۲۳۱	داستان هفت خوان اسفندیار
۲۳۲	خان اول - نبرد با گرگ بزرگ پیل پیکر
۲۳۲	خان دوم - کشتن شیران کوه پیکر
۲۳۳	خان سوم - کشتن ازدها
۲۳۴	خان چهارم - دادستان جادوگر پیر
۲۳۶	خان پنجم - کشتن سیمرغ
۲۳۷	خان ششم - گذر کردن از برف و سرمای سوزان
۲۳۹	خان هفتم - بیابان بی آب و خشک
۲۴۰	تسخیر رونین دژ
۲۴۳	دیدار اسفندیار با خواهران خود
۲۴۵	جنگ رستم و اسفندیار
۲۴۸	رفتن سپاه اسفندیار به زابل
۲۵۷	درخواست کمک زال از سیمرغ

فصل آخر / فرهنگ لغات منتخب شاهنامه

۲۶۵

سخنی با جوانان

مقدمه

آشنایی جوانان هر کشوری با آثار و گنجینه‌های ادبی جامعه خود امری لازم و ضروری است، زیرا فرهنگ و آداب اجتماعی و آئین‌های هر ملتی توسط این آثار و کتابها به نسل بعدی منتقل می‌شود. برای نگهداری و آگاهی از این آداب و رسوم لازم است که جوانان با داستانهای این کتابها آشنا شوند.

گذشته درخشان هزاران سال زندگی ما مردم ایران در طول تاریخ پر رمز و راز، در کتابهایی چون شاهنامه فردوسی و مثنوی معنوی اثر مولانا جلال الدین رومی و گلستان و بوستان سعدی بزرگ و غزلیات خواجه حافظ شیرازی و در تاریخ ارجمند و گرانمایه بیهقی تاریخ نگار برجسته و دیگر آثار بزرگان، به زبان و صورتهای گوناگون مثل داستان، حکایت، شعر و تاریخ بیان شده است.

برای آشنایی جوانان کشور عزیزمان ایران، بنا به پیشنهاد مدیر فرهیخته و صاحب ذوق انتشارات محترم فراروی اقدام به نوشتن و گردآوری داستانهای شیرین و جذاب از متون کهن فارسی نمودیم، تا هر چه بیشتر، زمینه آشنایی جوانان مشتاق و علاقه‌مند به ادبیات دلنشین و گنجینه‌های بی‌بدیل این مرز و بوم، فراهم شود.

بدیهی است که تلاش شده است داستانها به زبانی ساده و قابل درک بیان شود، اما از آنجا که هدف کلی‌تر از این کار، در دسترس همه‌گان قرار دادن و انس و الفت بیشتر با متون کلاسیک و پیوند آن خصوصاً با افکار قشر جوان می‌باشد، ناگزیر و به اقتضاء از اشعار زیبا و دلنشین حکیم فردوسی هم چاشنی نشر داستان شده است تا

کار زیباتر، آهنگین و جذاب‌تر باشد.

امیدواریم که بتوانیم از عهده چنین کار بزرگی که به حقیر واگذار شده است سربلند و پیروز بیرون آیم.

لازم به یادآوری است که در پایان مجموعه لغت‌نامه کوچکی گنج‌نامه شده است تا اگر هنگام خواندن اشعار زیبای حکیم طوس، واژه‌ای کهن برای جوانان عزیز نامفهوم باشد با مراجعه به پایان کتاب معنی آن را دریابند، هر چند که زبان فردوسی بعد از هزار سال همچنان برای عموم فارسی‌زبانان در اقصی عالم از کاشغر در چین گرفته تا هند و بنگال و افغانستان و تاجیکستان و قزاقستان و ایران قبل درک می‌باشد پس به راستی همانطور که خود فردوسی بزرگ می‌گوید:

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی
هیچ شاعری در پهنه ادبیات ایران زمین به اندازه حکیم طوس، مردم را تشویق به دانش‌اندوزی و خردورزی ننموده است. آغاز سخن شاهنامه با این مصرع است:
«به نام خداوند جان و خرد.» و در جای جای داستانهای شاهنامه، فردوسی همه را سفارش کرده است تا از نیروی عقل و خرد خود بهره‌مند گردند و در گشودن گره مشکلات، خرد را راهنمای کار خود نمایند. با هم بخوانیم:

خرد افسر شهریاران بود	خرد زور نامداران بود
کسی کو خرد را ندارد زپیش	دلش گردد از کرده خویش ریش
توانا بود هر که دانا بود	بدانش دل پیر برنا بود

و در جای دیگر می‌فرماید:

بیاموز و بشنو زهر دانشی	بیابی زهر دانشی رامشی
زخورد و زبخشش میاسای هیچ	همه دانش و داد دادن بسیج
دگر با خردمند مردم‌نشین	که نادان نباشد بر آئین و دین

از این گونه احساسات لطیف و نکته‌های ظریف و حقایق و معارف در شاهنامه بسیار آورده شده است.

هر گاه که بلا و مصیبتی به وجود می‌آید مخصوصاً آنجا که سخن از مرگ کسی

می‌باشد تخلف نمی‌کند از اینکه بی‌وفائی روزگار و فانی بودن انسان را متذکر شود و دیگران را به پند و عبرت گرفتن فرا می‌خواند.

در این مورد چنین می‌گوید:

جهانا می‌پرور چو خواهی درود چو می‌بدروی پروریدن چسود؟
بمهرش مدار ای برادر امید اگر چه دهد بیکرانت نوید
باز در جای دیگر می‌فرماید:

جهان را نمایش چو کردار نیست بدو دل سپردن سزاوار نیست
در جای دیگر می‌فرماید:

شکاریم یک‌بخت همه پیش مرگ سرزیر تاج و سرزیر ترگ
بهر حال نبوغ و دواندیشی فردوسی آنجا هویدا می‌گردد که می‌فرماید:

جهان سر بسر حکمت و عبرت است چرا بهره ما همه غفلت است؟
زمین گرگشاده کند راز خویش نماید سرانجام و آغاز خویش
فردوسی در توصیف و باز نمایاندن صحنه‌های طبیعت و یا پیکار پهلوانان چنان استادانه قلم می‌زند و می‌سراید که گویی پرده نقاشی را به زیباترین وجه در جلو دیدگان خواننده می‌گستراند. نمونه‌ای از این توصیفات را با هم مرور می‌کنیم:

که مازندران شهر ما یاد باد همیشه بر و بومش آباد باد
که در بوستانش همیشه گل است بکوه اندرون لاله و جنبیل است
هوا خوشگوار و زمین پرنگار نه سرد و نه گرم و همیشه بهار
نوازنده بلبل به باغ اندرون گرازنده آهو براغ اندرون
دی و بهمن و آذر و فروردین همیشه پر از لاله بینی زمین

ارزشمندترین وجه کار فردوسی در شاهنامه بازنویسی تاریخ حماسی ایرانیان در ادوار گذشته تاریخ است. زنده کردن و یادآوری آن برای ایران و ایرانی در روزگاری که تازیان مهاجم به هر سرزمینی که گام می‌گذاشتند، افزون بر غارت و چپاول اموال ملت مغلوب همواره تلاش می‌کردند، تازیان آنها را تغییر دهند و از برگزاری آئین‌ها و سنت‌های باستانی آنها، جلوگیری و از حافظه ملت آنها را پاک کرده و به جای آنها،

آداب و رسومات بدوی‌نشینان را که در آنها نه اثری از هنر و ذوق انسانی وجود داشت نه از ظرافت و لطافت بهره‌ای برده بود جایگزین کنند.

پایمردی فردوسی در این راه به اندازه‌ای بود که سرزنش و سعایت حسودان و کین‌خواهان دربار پادشاه متعصب و بی‌خرد غزنوی را به جان خرید، تا ایران و فرهنگ ایرانی همراه با زبان فارسی در درازنای تاریخ، با کمترین تغییر چون کاخی بلند جلوه کند و پایدار بماند چنانکه خودش گفته بود:

بناهای آباد گردد خراب زیاران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند که از باد و باران نیابد گزند
جهان از سخن کرده‌ام چون بهشت از این بیش تخم سخن کس نکشت
سخن را در اینجا گفتم می‌کنیم و آن را به این امید به پایان می‌بریم تا همه جوانان ایران زمین فردوسی را که به حقیقت پیامبر زبان فارسی می‌باشد سر مشق کار خود قرار دهند و با گوش سپردن به گفته‌های او و پند گرفتن از گذشته در جهت پاس داشتن زبان فارسی و زنده نگه داشتن فرهنگ و آئینها و سنتهای آن، راه را بر هر قوم مهاجم از ترک و تازی و مغول و... گرفته و با تکیه بر اندیشه‌های پاک خالص ایرانی راه نفوذ آنها را مسدود کنند. روانش شاد در مینو ساکن و راهش پر رهرو باد.

ع. اذرخش

۱۳۸۸/۲/۸